

بررسی تبعات اقتصادی و امنیتی رشد نظامی گرایي در خاورمیانه

نویسندگان: دکتر عنایت‌الله یزدانی^۱

سید قاسم منفرد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۸/۲۰

صفحات مقاله: ۷۹-۹۹

چکیده

بی‌تردید «امنیت ملی» جزو مهم‌ترین موضوعات هر واحد سیاسی به شمار آمده و توجه به آن جزء الزامات اولیه هر جامعه محسوب می‌گردد. اما این امر هرگز بدان معنا نیست که تمام منابع و سرمایه‌های یک کشور می‌بایستی در بخش‌های دفاعی و تأمین امنیت هزینه گردند. چرا که سرمایه‌گذاری بیش از حد در این حوزه، از یک سو منجر به اتلاف منابع ملی و از سوی دیگر منجر به عدم پرداختن به سایر ارکان اقتصادی - اجتماعی جامعه و پیشبرد برنامه‌های بلندمدت توسعه در ابعاد مختلف آن خواهد شد. بی‌شک واحد سیاسی نظیر دولت‌های خاورمیانه که بخش عمده‌ای از درآمدهای ملی خود را از طریق فروش منابع طبیعی تأمین می‌کنند، می‌بایستی بیش‌تر نسبت به زمینه‌های تخصیص منابع و همین‌طور جهت‌دهی سرمایه‌گذاری‌ها دقت نمایند. چرا که اساساً افزایش میزان هزینه‌های نظامی لزوماً نمی‌تواند منجر به ارتقا سطح امنیت در یک منطقه گردد. در حال حاضر، گرایش روزافزون کشورهای منطقه به سمت نظامی‌گرایی سبب‌ساز ایجاد یک مسابقه تسلیحاتی گسترده در سطح خاورمیانه گردیده، که این مسأله نه تنها تأمین‌کننده امنیت کشورهای

۱ - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی

منطقه نمی‌باشد، بلکه خود منجر به افزایش تنش‌ها و ائتلاف منابع شده و خاورمیانه را به یکی از بحران‌خیزترین و نظامی‌ترین مناطق جهان تبدیل کرده است.

* * * * *

کلید واژگان

خاورمیانه، نظامی‌گرایی، مسابقه تسلیحاتی، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، امنیت

ملی

مقدمه

برای بررسی مفهوم «امنیت ملی»،^۱ رهیافت‌های متعددی وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها رهیافت رئالیستی است. این رهیافت که اساساً در دوران جنگ سرد^۲ حاکم بود بر اهمیت امنیت ملی نظامی در روابط بین‌الملل تأکید داشت. از منظر رئالیست‌ها، نظام بین‌الملل عرصه مبارزه برای قدرت توسط واحدهای سیاسی به‌شمار می‌آید. از دید این گروه بهترین راه‌کار برای دستیابی دولت‌ها به امنیت ملی، عبارت است از توسعه تأسیسات نظامی، تلاش برای برتری نظامی و سرانجام دستیابی به توازن نظامی^۳ (مارتین، ۱۳۸۳، صص ۳۵-۳۴). فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و پایان جنگ سرد، سست بودن بنیان‌های فکری چنین رهیافتی را آشکار نمود، چرا که رئالیست‌ها عموماً قادر نبودند فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد را توضیح دهند.

1 - National Security

2 - old War

3 - Military Balance

در گذشته، افرادی هم‌چون هابز و ماکیاولی، عمده‌ترین کارکرد دولت‌ها را تأمین امنیت صرفاً از طریق افزایش قدرت نظامی عنوان می‌کردند. از آن زمان دولت‌ها تلاش کردند تا قواعد بازی این نهاد را در حوزه‌های بین‌المللی نیز به کار بندند. در این خصوص والتر لیپمن امنیت را در معنی عام کلمه همواره همراه با قدرت نظامی قلمداد می‌کند. اما امروزه امنیت پدیده‌ای ثابت و مشخص نیست. عامل زمان، ایدئولوژی و اوضاع و احوال بین‌المللی و هم‌چنین موقعیت و دید رهبران در کیفیت و کمیت و نحوه تحصیل و حفظ آن دستخوش تغییرات بسیاری شده است. به این ترتیب، گرایش به سمت نظامی‌گرایی، فقط یکی از ابزارهای دولت‌ها در تأمین امنیت ملی به‌شمار می‌آید و صرف قدرت نظامی نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت ملی کشورها باشد.

با این وجود، در دوران پس از جنگ سرد، چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش آمد تا دولت‌ها به بهانه وجود بحران‌های امنیتی، در صدد دستیابی به تسلیحات نظامی برآمده و از این رهگذر میزانی از امنیت را برای خود تأمین کنند. منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک و وجود ذخایر هیدروکربنی همواره مورد توجه قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی بوده است. حضور بازیگران مختلف از یک سو و وجود چالش‌های منطقه‌ای و ملی از سوی دیگر موجب گردیده تا خاورمیانه تبدیل به یک منطقه بحران‌خیز شود. به همین خاطر سالانه بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ منطقه صرف هزینه‌های نظامی می‌شود. اما میزان بالای هزینه‌های نظامی نتوانسته است منجر به افزایش ضریب امنیتی در خاورمیانه گردد و این منطقه هم‌چنان به‌عنوان یکی از بحران‌خیزترین مناطق جهان شناخته می‌شود. سؤال اساسی که در این جا پیش می‌آید این است که چرا

1 - Growing Domestic Production

گسترش رویکرد نظامی‌گرایی در خاورمیانه منجر به افزایش ثبات و امنیت آن نشده است؟ البته در خصوص مفهوم نظامی‌گرایی تعاریف گوناگونی ارائه گردیده است که از آن جمله می‌توان به چیرگی و سلطه ارتش بر دولت و دخالت نظامیان در امور سیاسی اشاره نمود. تعریفی که از مفهوم نظامی‌گرایی در این پژوهش مدنظر است، عبارت است از: گسترش سیاست تحکیم و تقویت پیوسته نیروهای نظامی و هم‌چنین نظامی‌کردن جامعه از طریق افزایش حجم ساختار ارتش و هزینه‌های نظامی. در واقع، معیار سنجش وضعیت نظامی کشورها از طریق بررسی نسبت میان هزینه‌های نظامی کشورها با توجه به تولید ناخالص داخلی آن‌ها به دست می‌آید.

مفروض اصلی این نوشتار این است که رشد غیرمنطقی نظامی‌گرایی در کشورهای خاورمیانه سبب ائتلاف منابع، عدم پیشبرد برنامه‌های توسعه اقتصادی و در مقابل زمینه‌ساز مسابقه تسلیحاتی در منطقه شده است، و در نتیجه چنین مسابقه تسلیحاتی‌ای، منطقه از نظر امنیتی دچار چالش گردیده است.

ارزیابی و سنجش هزینه‌ها و سطح مبادلات نظامی در خاورمیانه

بررسی‌ها حاکی از آن است که در سال ۲۰۰۳ میزان هزینه‌های نظامی منطقه خاورمیانه بیش از ۴۷ میلیارد دلار بوده است (نگاه کنید به جدول شماره ۱). در سال ۲۰۰۵، هزینه‌های نظامی خاورمیانه ۸/۱۷ درصد از کل تولید ناخالص داخلی (GDP) این منطقه را در بر گرفته که این میزان به تنهایی با مجموع هزینه‌های نظامی سه منطقه آمریکای شمالی، آسیای جنوبی و اروپای غربی برابر می‌گردد. در این سال عمان با اختصاص ۱۱/۴ درصد از کل GDP خود به هزینه‌های نظامی، در میان کشورهای خاورمیانه صدرنشین بوده است. پس از عمان، قطر و عربستان سعودی با ۱۰ درصد، رژیم صهیونیستی با ۸/۹ درصد، بحرین با ۶/۳ درصد و سوریه با ۵/۹ درصد در ردیف‌های بعدی قرار داشته‌اند (ordesman, 2005, p.39).

این‌ها در حالی است که هزینه‌های نظامی ایالات متحده در همین سال ۳/۳ درصد از کل GDP این کشور را تشکیل داده بود. براساس آمارهای سالنامه سیپری، تنها هزینه‌های نظامی کشور کویت از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ چیزی حدود ۳۶ درصد رشد داشته است. (www.Sipri, 2005) نگاهی به مبادلات نظامی خاورمیانه در سال‌های ۳-۲۰۰۱ نشان می‌دهد که صادرات تجهیزات نظامی، حدود ۰/۴ درصد کل صادرات منطقه و میزان واردات نظامی، حدود ۷/۸ درصد از کل واردات منطقه را شامل شده است. جدول زیر هزینه‌های نظامی کشورهای خاورمیانه را در این سال نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱ - هزینه‌های نظامی کشورهای خاورمیانه در سال‌های ۳-۲۰۰۱

ردیف	کشورها	هزینه‌های نظامی (میلیون دلار)		
		۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
۱	عربستان سعودی	۲۱۰۵۵	۱۸۵۰۲	۱۸۷۴۷
۲	رژیم صهیونیستی	۱۰۹۳۸	۹۶۷۷	۱۰۳۲۵
۳	ایران	۳۲۱۸	۳۰۷۷	۳۰۵۱
۴	سوریه	۱۱۳۵	۱۲۱۲	۱۵۲۲
۵	کویت	۲۹۰۹	۳۳۸۴	۳۷۹۴
۶	مصر	۳۲۰۰	۳۳۰۰	۲۷۳۲
۷	امارات متحده	۱۶۴۲	۱۶۴۲	۱۶۴۲
۸	عمان	۲۱۰۷	۲۵۱۸	۲۴۶۸
۹	عراق	—	—	—
۱۰	قطر	۱۶۹۰	۱۸۵۵	۱۹۲۳
۱۱	اردن	۷۵۵	۷۷۶	۸۸۶
۱۲	لبنان	۵۸۸	۵۳۹	۵۱۲
۱۳	بحرین	۳۳۴	۳۳۲	۶۱

منبع: (www.3.oup.2004)

در طی سال‌های ۹۵-۱۹۹۳ نیز سهم صادرات نظامی خاورمیانه نسبت به کل صادرات نظامی جهان، ۳/۲ درصد بوده است که این میزان در طول سال‌های بعدی دست‌خوش تحولات چشم‌گیری نشد. در مقابل، سهم واردات نظامی خاورمیانه نسبت به بازار واردات نظامی جهان حدود ۴۳/۳ درصد بوده که این میزان خاورمیانه را در میان سایر واحدهای منطقه‌ای در جایگاه نخست قرار داده بود. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۵، عربستان سعودی با ۱۸ میلیارد دلار هشتمین کشور در زمینه هزینه نظامی به‌شمار می‌آمد. جدول زیر بیانگر جایگاه کشورهای جهان در زمینه هزینه‌های نظامی است.

جدول ۲ - رتبه‌بندی کشورها بر مبنای هزینه‌های نظامی در سال ۲۰۰۵

رتبه	کشور	میزان هزینه (میلیارد دلار)
۱	آمریکا	۳۷۰/۷
۲	چین	۶۷/۴۹
۳	ژاپن	۴۵/۸۴۱
۴	فرانسه	۴۵/۲۳۸
۵	انگلستان	۴۲/۸۳۶
۶	آلمان	۳۵/۰۳۶
۷	ایتالیا	۲۸/۱۸۲
۸	عربستان	۱۸
۱۸	رژیم صهیونیستی	۹/۱۱۰
۲۵	ایران	۴/۳۰۰
۳۵	کویت	۲/۵۸۴
۳۸	مصر	۲/۴۴۰
۴۵	امارات	۱/۶۰۰
۴۸	عراق	۱/۳۰۰
۵۴	سوریه	۸۵۸ میلیون دلار

منبع: www.cia world factbook.2005

با توجه به آنچه ذکر شد، سرانه هزینه دفاعی در خاورمیانه بسیار بیش تر از سایر مناطق دنیاست. مقایسه کشورهای این منطقه با سایر کشورهای جهان نشان می دهد که هزینه دفاعی هر شهروند عربستانی حدود پنج الی شش برابر بیش تر از هزینه شهروندان اروپایی ناتو (NAT)^۱ و بیش از ۲/۵ برابر سرانه هزینه دفاعی در ایالات متحده است (هینبوس، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲). در حقیقت، توان مالی کشورهای خاورمیانه که حاصل از فروش منابع طبیعی است، بیش ترین نقش را در پیشبرد روزافزون سیاست های نظامی گرایانه این کشورها در منطقه به عهده دارد. از سوی دیگر، گسترش دامنه تنش های سیاسی و عدم اعتماد متقابل در خاورمیانه، باعث رشد رقابت های نظامی در این منطقه گردیده است. البته عدم اعتماد متقابل، تنها دلیل رشد نظامی گرایی در منطقه نیست، چرا که کشورهای خاورمیانه به خصوص آن هایی که در حاشیه خلیج فارس واقع هستند، به واسطه برخورداری از درآمدهای نفتی و ساختار سیاسی وابسته به عواید نفتی، نظامی گرا هستند. به هر حال، مجموعه ای از عوامل فوق در کنار یکدیگر بسترساز شرایطی برای گسترش سیاست های نظامی گرایانه در منطقه شده است. همین وضعیت، کشورهای منطقه را بدون آن که قادر باشند بر بخش مهمی از معضلات امنیتی خود فایق آیند، درگیر نوعی مسابقه تسلیحاتی می سازد. به عنوان نمونه منازعات میان اعراب و رژیم صهیونیستی تا حدود زیادی منجر به تشدید روند نظامی گرایی میان طرفین درگیر شده است.

به دنبال افزایش تنش ها میان اعراب در طول دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، هزینه های نظامی کشورهای عربی نظیر لبنان نیز متأثر از رویدادهای منطقه ای از ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵، به ۱۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ و ۴۶۵ میلیون

1 - North Atlantic Treaty rganization

دلار در سال ۱۹۹۷ ارتقاء پیدا کرد (ordesman, 2002, p.36). هم‌چنین آمار حاکی از آن هستند که بیش‌ترین میزان دریافت‌های نظامی اردن طی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۹۷ متعلق به پنج سال پایانی دهه ۱۹۸۰ است. در واقع، بحران‌ها و برخوردهای نظامی میان بازیگران منطقه تا حدود زیادی تعیین‌کننده سطح نظامی‌گرایی در خاورمیانه بوده است.

تبعات رشد نظامی‌گرایی بر جامعه و اقتصاد کشورهای منطقه

تاریخچه کشورهای خاورمیانه حاکی از آن است که تا قبل از نیمه نخست قرن بیستم، در اکثر این جوامع اثر قابل ملاحظه‌ای از زیرساخت‌های نوین اقتصادی نظیر شبکه‌های حمل و نقل، ارتباطات، آبرسانی، تولید و توزیع انرژی وجود نداشته است. در حال حاضر، سهم کل کشورهای خاورمیانه از مجموع شبکه‌های حمل و نقل موجود در جهان بسیار ناچیز است. هم‌چنین در بخش خودرو در بسیاری از این کشورها سرانه اتومبیل درصد ناچیزی نسبت به سهم کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری است. در بخش انرژی نیز اکثر کشورهای خاورمیانه تولیدکننده بخش عمده‌ای از انرژی مصرفی جهان به‌شمار می‌آیند، اما به‌دلیل عدم وجود صنایع مادر در این کشورها، سهم ناچیزی از انرژی، در مقایسه با کشورهای صنعتی، در این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به‌دنبال تشدید بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و افزایش بهای نفت، اقتصاد کشورهای منطقه دستخوش تحولی بی‌سابقه گردید. از سال ۲۰۰۳ با آغاز جنگ آمریکا علیه عراق، نوسانات عمده‌ای در بازار انرژی جهان ایجاد شد و به‌دنبال آن رشد تولید ناخالص داخلی خاورمیانه از ۴/۲ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵/۴ درصد در سال ۲۰۰۳ ارتقاء یافت. تداوم افزایش بهای نفت در نیمه نخست سال ۲۰۰۴ به‌همراه افزایش تقاضای برخی از کشورها نظیر هند و چین، سبب‌ساز تداوم رشد اقتصادی کشورهای نفتی گردید، به‌گونه‌ای که طی این سال‌ها GDP

دو کشور عمده نفتی در خاورمیانه یعنی عربستان سعودی و ایران، به ترتیب از ۱۸۳/۳ و ۸۴/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ و ۲۱۴/۷ و ۱۳۰/۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ تغییر پیدا کرد. در سال ۲۰۰۴ GDP عربستان سعودی حتی از مرز ۲۴۱ میلیارد دلار نیز عبور کرد (www.tau.2005). با وجود بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه طی سال‌های اخیر، هنوز شواهد نشان می‌دهند که میزان قابل توجهی از درآمدهای نفتی این کشورها صرف امور نظامی می‌شوند. آمارها حاکی از آنند که تنها در سال مالی ۲۰۰۳ هزینه‌های نظامی منطقه خاورمیانه حدود ۶ درصد از کل تولید ناخالص داخلی این منطقه را تشکیل می‌داده است (www.armscontrolcente.2005).

گسترش سیاست‌های نظامی‌گرایانه در خاورمیانه در بلندمدت تبعات گسترده‌ای را بر ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورهای منطقه از خود به جای گذاشت که از آن جمله می‌توان به مواردی هم‌چون، وابستگی به واردات تسلیحات نظامی و نیاز به حضور مستشاران نظامی خارجی «بقه سفیدها» جهت آموزش فناوری‌های نظامی مدرن اشاره نمود. در میان کشورهای خاورمیانه، عربستان سعودی به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در خاورمیانه، دارای سهم عمده‌ای در گسترش فعالیت‌های نظامی در منطقه است. این کشور همانند سایر واحدهای سیاسی حاضر در منطقه از هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری اعم از منابع طبیعی، کالاهای سرمایه‌ای، نیروی انسانی و خدمات در بخش‌های نظامی فروگذار نمی‌کند. عربستان سعودی در دهه ۱۹۹۰ بخش عمده‌ای از هزینه‌های مالی جنگ خلیج فارس را بر عهده گرفت. در جنگ نیروهای ائتلاف با دولت عراق در سال ۱۹۹۱، دولت عربستان ۶۲ میلیارد دلار برای مقابله با سیاست‌های تجاوزطلبانه صدام، به ایالات متحده پرداخت کرد. در طی همین سال‌ها، ریاض خریدهای نظامی گسترده‌ای را از این کشور آغاز نمود که این امر منجر به ایجاد کسر بودجه ۱۲ میلیارد دلاری در سال ۱۹۹۸ شد (هینبوش، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶). از سوی

دیگر، پیچیدگی سلاح‌های خریداری شده این کشور را، که فاقد توانمندی‌های لازم برای حفظ و نگهداری چنین تجهیزاتی بود، واداشت تا افراد متخصص خارجی را به استخدام خود در آورد.

با وجود رشد ۷/۲ درصدی GDP عربستان در سال ۲۰۰۳، این کشور در این سال به دلیل عدم سیاست‌گذاری مناسب در بخش تخصیص سرمایه بالغ بر ۳۲/۵ میلیارد دلار بدهی خارجی داشته است. آمارها حاکی از آن است که کل هزینه‌های دولت در سال ۲۰۰۳، ۶۶/۶۶ میلیارد دلار بوده که از این میزان حدود ۱۹/۱ میلیارد دلار به هزینه‌های نظامی اختصاص داشته است (www.tau.2005). جدول زیر هزینه‌های نظامی کشورهای خاورمیانه را به‌عنوان درصدی از GDP آن‌ها طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۳ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ - هزینه‌های نظامی کشورهای خاورمیانه به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی (۲۰۰۱-۲۰۰۳)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
بحرین	٪۴/۳	٪۴/۳	٪۵/۶
مصر	٪۴	٪۳/۹	٪۴
ایران	٪۳/۸	٪۲/۳	٪۲/۴
رژیم صهیونیستی	٪۹/۶	٪۹/۳	٪۹/۵
اردن	٪۸/۵	٪۸/۱	٪۸/۷
کویت	٪۸/۸	٪۹/۸	٪۹/۴
لبنان	٪۳/۵	٪۳/۲	٪۲/۸
عمان	٪۱۰/۵	٪۱۲/۳	٪۱۱/۶
قطر	٪۹/۵	٪۱۰/۴	٪۱۰
عربستان	٪۱۱/۳	٪۹/۸	٪۸/۹
سوریه	٪۶/۸	٪۶/۵	٪۷
امارات متحده	٪۲/۴	٪۲/۳	٪۲/۱

منبع: The Military Balance, 2004-2005, p.354

همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، در سال ۲۰۰۴ میلادی، عربستان سعودی در بخش‌های توسعه منابع انسانی حدود ۶۳,۷۰۰ میلیارد ریال، توسعه منابع اقتصادی ۴,۸۳۴ میلیارد ریال و توسعه اجتماعی و بهداشت ۲۴,۳۰۰ میلیارد ریال هزینه کرده است، این در حالی است که این کشور در همین سال در بخش‌های دفاعی و امنیتی چیزی بالغ بر ۷۲,۴۶۲ میلیارد ریال هزینه نموده است.

جدول شماره ۴ - تخصیص بودجه عربستان سعودی در بخش‌های مختلف در طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۴ (بر حسب میلیون ریال عربستان)

بخش‌های مختلف	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
توسعه منابع انسانی	۵۳۰۱۰	۴۷۰۳۷	۴۹۶۰۹	۶۳۷۰۰
حمل و نقل و ارتباطات	۵۷۳۲	۵۴۶۴	۵۶۳۴	۷۲۵۰
توسعه منابع اقتصادی	۵۶۲۹	۴۹۶۹	۶۹۲۷	۴۸۳۴
توسعه اجتماعی و بهداشت	۱۸۰۸۹	۱۸۹۷۰	۱۶۷۶۷	۲۴۳۰۰
توسعه زیربنای اقتصادی	۲۵۳۲	۲۶۹۳	۲۵۴۴	۳۵۰۰
عمران شهری	۷۲۲۴	۷۹۶۵	۵۳۹۳	۸۶۰۰
دفاعی و امنیتی	۷۸۸۵۰	۶۹۳۸۲	۷۰۳۰۳	۷۲۴۶۲
ادارات و سایر هزینه‌های عمومی دولت	۳۷۳۷۲	۳۹۳۱۶	۴۴۸۴۸	۳۹۲۹۵
مؤسسات عمومی دولتی	۴۱۱	۳۷۳	۳۷۵	۳۷۵
سوبسیدهای دولتی	۶۱۵۱	۵۸۳۱	۶۶۰۰	۵۶۸۴

منبع: The Military Balance, 2004-2005, p.301

پس از عربستان، دو کشور مصر و رژیم صهیونیستی نیز از کشورهای عمده در زمینه تعقیب برنامه‌های نظامی در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌آیند. در دوران جدید، نخستین سرمایه‌گذاری‌های عمده نظامی در جهت ایجاد صنایع نظامی در مصر، به دوران محمد علی پاشا در دهه ۱۸۲۰ باز می‌گردد که این امر خود در بلندمدت سبب بروز خسارات بسیاری بر اقتصاد مصر شد. در واقع، هزینه

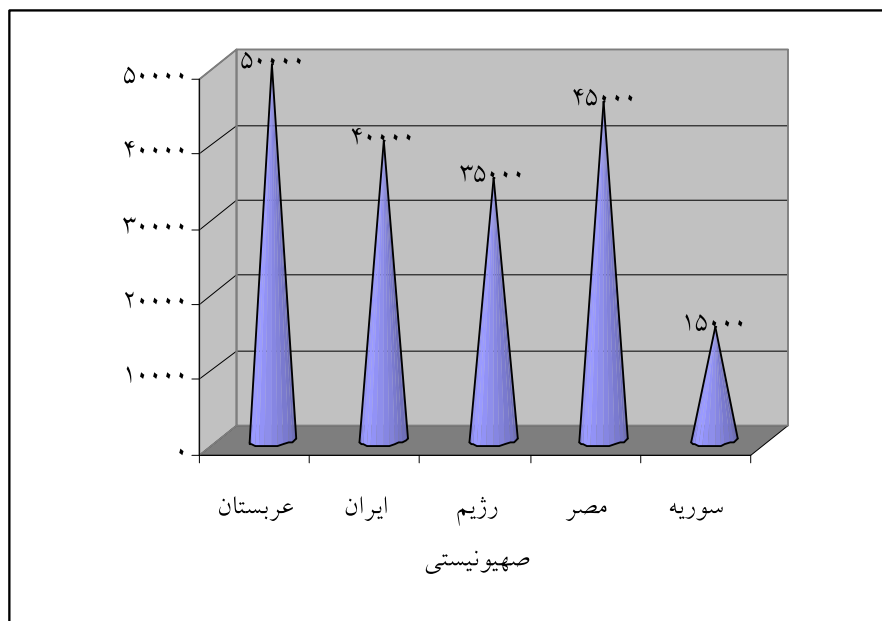
گسترش برنامه‌های نظامی برای مصر بسیار بالا بوده است. در دهه ۱۹۸۰، اقتصاد مصر با مشکلات تورم، بیکاری و افزایش سالانه یک میلیون جمعیت مواجه بوده است. نگرانی دولت از بروز شورش‌های غذا^۱ در صورت کسر سوبسیدهای سالانه ۷ میلیارد دلاری برای مواد غذایی، این کشور را با کسر بودجه دائمی رو به رو ساخته بود. در اواخر دهه ۱۹۸۰، بدهی خارجی مصر بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار بود که حدود ۲۲ درصد آن را بدهی‌های نظامی تشکیل می‌داد. در واقع، هزینه‌های نظامی و پرداخت بهره وام‌های خارجی، بیش از یک سوم از هزینه‌های جاری دولت را به خود اختصاص داده بود. در سال ۲۰۰۴، میزان بدهی خارجی مصر چیزی بالغ بر ۳۳/۸ میلیارد دلار اعلام شده است. این میزان بدهی هر ساله دولت مصر را ناگزیر از دریافت وام از کشورهای غربی بالاخص ایالات متحده ساخته است. به علاوه، این کشور برای تأمین هزینه‌های نظامی خود سالانه حدود ۱/۳ میلیارد دلار از آمریکا کمک نظامی دریافت می‌دارد (لطفیان، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲). یکی دیگر از کشورهای خاورمیانه که بخش قابل ملاحظه‌ای از تولید ناخالص داخلی خود را مصروف هزینه‌های نظامی می‌کند، رژیم صهیونیستی است. در حالی که تولید ناخالص داخلی این کشور به تنهایی بیش از مجموع تولید ناخالص داخلی مصر، لبنان، سوریه، اردن، ساحل غربی و غزه است و با درآمد سرانه تقریبی ۱۴ هزار دلار شانزدهمین کشور ثروتمند جهان محسوب می‌شود، با وجود این، هم‌چنان درگیر حجم بالای بدهی‌های خارجی بوده و جامعه رژیم صهیونیستی با فقر و بیکاری عمومی دست به گریبان است (منفرد، ۱۳۸۳، ص ۲۷). طبق آمارهای موجود میزان بدهی خارجی رژیم صهیونیستی از ۶۳/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۶۶/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش

1 - Food Riots

یافته است. هم‌چنین هزینه‌های نظامی این کشور از ۸/۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۹/۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است.

با توجه به آن‌چه بدان اشاره شد، کشورهای خاورمیانه میزان قابل توجهی از سرمایه‌های ملی خود را که بعضاً ماحصل فروش منابع طبیعی هستند، به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی توسعه انسانی و اقتصادی، به‌طور بی‌رویه به هزینه‌های دفاعی تخصیص می‌دهند که این مسأله اثرات بسیار مخربی را برای جامعه و اقتصاد این جوامع به همراه داشته است. آن‌چه مسلم است هر اندازه درصد بیشتری از سرمایه‌های ملی یک کشور به فعالیت‌های نظامی اختصاص داده شود، منابع و فرصت کم‌تری برای توسعه سایر بخش‌های غیرنظامی جامعه باقی خواهد ماند. از این رو، اگر کشوری بیش از حد معمول در حوزه‌های نظامی و امنیتی سرمایه‌گذاری نماید، موجب هدر رفتن منابع ملی و کاهش توان در پرداختن به سایر ابعاد رفاهی - اقتصادی جامعه شده و در نتیجه ممکن است با مسائلی هم‌چون بحران‌های مالی، رکود و ورشکستگی صنایع داخلی، کسری تراز پرداخت‌ها و مواردی از این دست مواجه شود. از سوی دیگر، کشورهای خاورمیانه تعداد زیادی نیروهای انسانی خود را در بخش‌های نظامی مشغول داشته‌اند (نمودار شماره ۱). اگر به این تعداد، افراد شاغل در سایر بخش‌های امنیتی و اطلاعاتی و همین‌طور افراد شاغل در صنایع نظامی را اضافه کنیم، خواهیم دید که رقمی بسیار عظیم‌تر از آن‌چه بدان اشاره شده است در بخش‌های نظامی و حوزه‌های وابسته به آن در حال فعالیت هستند.

نمودار شماره ۱ - تعداد افراد شاغل در بخش صنایع نظامی در سال ۲۰۰۱



منبع: www.nationmaster, 2004.

اساساً سطح پایین علم و تکنولوژی در منطقه بیش از هر چیز با سطح نامطلوب آموزش و پرورش در ارتباط است. در واقع، ساختار اجتماعی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه حاکی از آن است که اولویت‌های سرمایه‌گذاری این کشورها نه در بخش‌های نظامی بلکه در سایر بخش‌های غیرنظامی از قبیل کشاورزی، بهداشت، آموزش و پرورش، توسعه منابع انسانی و توسعه زیرساخت‌های صنعتی جامعه قرار دارد (ساعی، ۱۳۷۹، صص ۱۱۷-۱۴۴). در گزارشی که توسط بانک جهانی در خصوص وضعیت توسعه انسانی کشورهای جهان در سال ۲۰۰۲ میلادی منتشر شده است، کشورهای رژیم صهیونیستی و بحرین به ترتیب در رده‌های ۲۲ و ۴۰ و ایران و مصر در رده‌های ۱۰۱ و ۱۲۰ قرار دارند (نگاه کنید به جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵ - شاخص توسعه انسانی کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۲

کشور	رتبه جهانی	شاخص امید به زندگی	سرانه GDP (به دلار)	شاخص GDP	شاخص توسعه انسانی	شاخص آموزش و پرورش
رژیم صهیونیستی	۲۲	۰/۹۰	۱۹۵۳۰	۰/۸۸	۰/۹۰۸	۰/۹۴
بحرین	۴۰	۰/۸۱	۱۷۱۷۰	۰/۸۶	۰/۸۴۳	۰/۸۵
کویت	۴۴	۰/۸۶	۱۶۲۴۰	۰/۸۵	۰/۸۳۸	۰/۸۱
قطر	۴۷	۰/۷۶	۹۲۱۰	۰/۷۵	۰/۸۲۳	۰/۹۵
عمان	۷۴	۰/۷۹	۱۳۳۴۰	۰/۸۲	۰/۷۷۰	۰/۷۱
عربستان	۷۷	۰/۷۹	۱۲۶۵۰	۰/۸۱	۰/۷۶۸	۰/۷۱
لبنان	۸۰	۰/۸۱	۴۳۶۰	۰/۶۳	۰/۷۵۸	۰/۸۴
اردن	۹۰	۰/۷۶	۴۲۲۰	۰/۶۲	۰/۷۵۰	۰/۸۶
ایران	۱۰۱	۰/۷۵	۶۶۹۰	۰/۷۰	۰/۷۳۲	۰/۷۴
مصر	۱۲۰	۰/۷۳	۳۸۱۰	۰/۶۱	۰/۶۵۳	۰/۶۲

منبع: www.worldbank.2005, pp.139-142.

اگر چه شاخص‌ها حاکی از رشد بالای اقتصادی کشورهای خاورمیانه هستند، این رشد لزوماً به معنای توسعه یافته بودن این کشورها نمی‌باشد. در حالی که GDP کشورهای خاورمیانه به واسطه افزایش بهای نفت هم‌چنان در حال افزایش است، سرمایه‌گذاری بیش از حد در بخش‌های نظامی از یک سو و عدم مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری از سوی دیگر سبب شده است تا این کشورها در ردیف کشورهای توسعه نیافته قرار داشته باشند. سالانه حجم زیادی از تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه به زیان سایر بخش‌های غیرنظامی و زیربنایی، صرف هزینه‌های نظامی می‌شوند. در واقع، می‌توان گفت که دولت‌های خاورمیانه بدون توجه به اولویت‌های سرمایه‌گذاری در کشورهاشان، به‌طور غیرقابل بازگشتی در حال درگیر شدن در یک مسابقه تسلیحاتی تمام‌عیار هستند که این روند به‌جز اتلاف منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه و تکنولوژی در این کشورها و تشدید بحران در کل منطقه، به نتیجه دیگری منتج نخواهد شد. در حال حاضر، بسیاری از صاحب‌نظران مسائل خاورمیانه بر این عقیده‌اند که بخش عمده‌ای از موانع توسعه در کشورهای منطقه به‌عدم تخصیص بهینه سرمایه و کاربرد درست آن باز می‌گردد.

رابطه میان افزایش نظامی‌گرایی و سطح امنیت

در گذشته، دلیل اصلی افزایش سرمایه‌گذاری‌های نظامی از سوی کشورها، تأمین امنیت در حوزه‌های داخلی و خارجی عنوان می‌شد. اما در دوران جدید سؤال اساسی این است که آیا افزایش بی‌رویه هزینه‌های نظامی لزوماً تأمین‌کننده امنیت واحدهای سیاسی خواهد بود؟ با نگاهی به تاریخچه کشورهای خاورمیانه پاسخ این سؤال منفی به نظر می‌رسد. سقوط رژیم پهلوی در ایران توسط قیام مردمی به‌رغم شدت سیاست‌های نظامی‌گرایانه این رژیم، بروز چالش‌های امنیتی برای کشورهایی که به میزان قابل توجه به برنامه‌های نظامی توجه داشته‌اند، نظیر عربستان سعودی، جنگ‌های منطقه‌ای از قبیل منازعات نظامی اعراب و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و ۱۹۸۲ و همین‌طور جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۹)، جنگ لبنان، جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و همین‌طور جنگ آمریکا علیه عراق، همگی صحت این فرضیه را که «نظامی شدن مساوی است با افزایش ضریب امنیتی» با تردید مواجه می‌سازد. چرا که شواهد نشان می‌دهند خاورمیانه در عین حال که به‌عنوان نظامی‌ترین منطقه محسوب می‌شود، جزء بحران‌خیزترین و ناامن‌ترین مناطق جهان نیز به‌شمار می‌آید. از این رو، برای تأمین امنیت ملی علاوه بر سرمایه‌گذاری معقول در بخش‌های نظامی بایستی شاخص‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار داد. در واقع، آن‌چه که تأمین‌کننده امنیت چه در ابعاد داخلی و چه در سطح بین‌المللی است، نه صرفاً هزینه‌های نظامی بلکه در کنار آن توجه به شاخص‌هایی نظیر «مشروعیت سیاسی»^۱ است. امروزه روش سنجش مشروعیت سیاسی دولت‌ها در ارزیابی فاکتورهایی هم‌چون تعداد زندانیان سیاسی، میزان منازعات و شورش‌های

1 - Political Legitimacy

سیاسی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و تشکل‌ها، آزادی فعالیت‌های سیاسی، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و مواردی از این دست است. در واقع، بسیاری از کشورهای عربی منطقه به شدت از آنچه «بحران مشروعیت»^۱ خوانده می‌شود رنج می‌برند (نگاه کنید به افضلی ۱۳۷۱ صص ۱۰۶-۸۵). آمارهای منتشر شده از سوی سازمان‌های حقوق بشر نشان می‌دهند که در طی دهه ۱۹۹۰ میلادی و به دنبال وقوع جنگ اول خلیج فارس، تعداد زندانیان سیاسی در سه کشور الجزایر، عراق و عربستان سعودی به شدت افزایش یافت. در سال ۱۹۹۵، تعداد زندانیان سیاسی مصر از مرز ۱۶۷۰۸ نفر عبور کرد (کامل‌السعید، ۱۳۸۳، ص ۱۰۶). از سوی دیگر، تنش‌های داخلی نیز در بسیاری از کشورهای عربی خاورمیانه طی دهه گذشته افزایش یافته است. در سال ۱۹۹۳، درگیری‌های داخلی الجزایر، بیش از ۵۰ هزار نفر قربانی به همراه داشت. هم‌چنین قتل‌های سیاسی گسترده‌ای در کشورهای الجزایر و مصر به وقوع پیوست که ناشی از کشاکش‌های میان گروه‌های اسلام‌گرای تندرو و نیروهای امنیتی بوده است. علاوه بر این، به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سپس آغاز حمله آمریکا به عراق، دولت عربستان سعودی شاهد گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی در خاک این کشور بود. در واقع، اسلام‌گرایان تندرو به شدت دولت وهابی را به واسطه ایجاد رابطه نزدیک با غرب و تبدیل این کشور به پایگاهی برای استقرار نیروهای آمریکایی به چالش فرا خوانده‌اند.

به این ترتیب، ویژگی‌های عمده کشورهای خاورمیانه را می‌توان در دو مورد زیر تبیین نمود:

الف) کشورهای خاورمیانه کشورهایی هستند که از نظر منابع طبیعی بسیار

1 - Legitimacy crisis

غنی، از نظر رشد اقتصادی در سطح قابل قبول، اما در زمینه توسعه اقتصادی در جایگاه پایینی قرار دارند.

ب) به دلیل بحران مشروعیت، بسیاری از کشورهای خاورمیانه برای تأمین امنیت و ثبات سیاسی، به طور بی‌رویه به سیاست‌های نظامی‌گرایانه و اتحاد با کشورهای غربی رو آورده‌اند.

آنچه مسلم است این‌که در طول تاریخ سیاسی منطقه، افزایش بی‌رویه بودجه و نقل و انتقالات نظامی، به‌جز ناامنی، بی‌اعتمادی، تشدید تنش و بحران‌سازی، برای کشورهای منطقه، نتیجه‌ای به‌همراه نداشته است. طی درگیری‌های نظامی اعراب و رژیم صهیونیستی سه دوره ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷، تعداد تلفات جانی کشورهای عربی چیزی بیش از ۵۶ هزار نفر بوده است. در واقع، دولت‌های خاورمیانه به‌جای هزینه‌های نظامی بی‌رویه و تشدید بحران در منطقه و همین‌طور مواجه شدن بامشکلات مالی، می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های زیربنایی، اعم از اجتماعی و اقتصادی و به‌دنبال آن افزایش میزان مشروعیت سیاسی، سطوح امنیت و ثبات سیاسی خود را ارتقاء بخشند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا به‌گونه‌ای با ارزیابی ساختار نظامی‌گرایی در خاورمیانه به تأثیر آن بر جامعه و اقتصاد کشورهای این منطقه اشاره شود. آنچه در این خصوص بدان اشاره شد این است که کشورهای خاورمیانه به‌واسطه برخورداری از عواید نفتی دارای رشد بالای اقتصادی بوده و سهم قابل توجهی در اقتصاد جهانی دارند. مشکل عمده کشورهای خاورمیانه اساساً در مدیریت سرمایه‌گذاری منابع مالی نهفته است. از سوی دیگر، یکی از معضلات بزرگ خاورمیانه عدم اعتماد متقابل میان واحدهای سیاسی منطقه بوده و کشورهای منطقه هریک سیاست‌های دیگری راتهدیدی علیه امنیت ملی خود قلمداد می‌کنند

که این امر یکی از عمده‌ترین دلایل گسترش روند نظامی‌گرایی در منطقه است. نکته‌ای که در خصوص ساختار مناسبات سیاسی در خاورمیانه می‌توان گفت این است که فضای حاکم بر این منطقه علی‌رغم وجود اتحادیه‌ها، سازمان‌ها و پیمان‌های همکاری منطقه‌ای، فضایی واگرایانه است و نه همگرایانه. این مسأله تا حدود زیادی به بی‌اعتمادی و نگرانی کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر باز می‌گردد. از این رو، کشورهای خاورمیانه در تلاشند تا با دنبال کردن هر چه تمام‌تر سیاست‌های نظامی‌گرایانه از خطرات بالقوه‌ای که از سوی همسایگان‌شان آن‌ها را تهدید می‌کند، جلوگیری نمایند. به واسطه همین نگرش‌ها، هر ساله بخش قابل توجهی از GDP این کشورها به جای آن‌که صرف توسعه بخش‌های زیربنایی جامعه شود، به خریدهای نظامی تخصیص می‌یابد. البته این نکته غیر قابل انکار است که ساختار نظامی و ارتش، نقش قابل توجهی در تأمین امنیت هر کشور به‌عهده دارند. هم‌چنین نمی‌توان هیچ‌گونه رابطه مستقیمی میان رشد نظامی‌گرایی و توسعه‌نیافتگی اقتصادی قایل شد، کما این‌که بسیاری از کشورها با آن‌که سرمایه‌گذاری قابل توجهی در بخش‌های نظامی انجام نداده‌اند، از نظر اقتصادی توسعه‌یافته به‌شمار نمی‌آیند. آن‌چه در این‌جا مورد تأکید قرار گرفته این است که توجه بیش از اندازه به بخش‌های نظامی سبب ائتلاف منابع، نیروی انسانی، سرمایه و هم‌چنین از بین بردن فرصت سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های زیربنایی خواهد شد. از سوی دیگر، علاوه بر تشکیلات نظامی، آن‌چه بخش عمده‌ای از امنیت و ثبات سیاسی هر کشوری را تأمین می‌کند، مشروعیت سیاسی آن کشور است. بسیاری از دولت‌های خاورمیانه به‌دلیل عدم توجه به مطالبات عمومی با نارضایتی گسترده‌ای مواجه هستند و متعاقب آن برای تأمین امنیت و ثبات داخلی به سیاست‌های نظامی‌گرایانه و تقویت روابط خود با دولت‌های غربی مبادرت می‌ورزند. چنین رویکردهایی علاوه بر تشدید بحران مشروعیت و ایجاد تزلزل سیاسی، منجر به افزایش بحران‌های امنیتی در سراسر منطقه خواهد شد.

منابع

منابع فارسی

- ۱ - افضل‌لی، رسول (بهار ۱۳۷۹)، "اصلاحات اقتصادی و چالش مشروعیت سیاسی در رژیم‌های عراق"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۶.
- ۲ - ساعی، احمد (۱۳۷۹)، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، تهران، انتشارات سمت.
- ۳ - کامل‌السعید، مصطفی (۱۳۸۳)، "مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی ۱۹۹۶-۱۹۸۹" در مارتین، لی. نور. جی، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه: قدیر نصیری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۹۵-۱۴۲.
- ۴ - لطفیان، سعیده (زمستان ۱۳۷۴)، "صنایع نظامی در جهان سوم"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- ۵ - مارتین، لی نور. جی (۱۳۸۳)، "رهیافتی جامع بر مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه"، در مارتین، همان، صص ۳۳-۵۸.
- ۶ - منفرد، سید قاسم (۱۳۸۳)، "سیاست مداخله‌گرایانه آمریکا و مسأله اسرائیل"، ماهنامه نگاه، سال چهارم، شماره ۴۴، صص ۲۹-۲۳.
- ۷ - هینبوش، ریموند الویشس (۱۳۸۲)، "سیاست‌های خارجی خاورمیانه"، ترجمه: علی گل محمدی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

English Resources

- 8 - ordesman, Anthony. H. (2005). *The Middle East Military Balance: Regional Development and Trands*, London: enter for Strategic and International Studies (SIS).

- 9- ordesman, Anthony. H , (2002). *The Arab- Israeli Militaty Balance: (Part three)*, London: (SIS).
- 10- www.arms_control_center.org, (2005), Archives, 001658.php\ enter for Arms control and Non-Proliferation. Htm. [accessed 10/6/2005].
- 11- www.ciq_world_factbook.(2005).The Military Expendituers . [accessed 10/4/2006].
- 12- *The Military Balance* (2004-2005). Middle East and North Africa. At www.IISS.org. [accessed 25/6/2005].
- 13- www.National_master.gov (2004), *army Manpower*, [accessed 5/3/2004].
- 14- www.3.oup.co.ilk/ the Military Balance 2004-2005 / international comparisons of defence expenditure. p:353.
- 15- www.Sipri.org (2005) *Sipri Yearbook*. [accessed 6/6/2005].
- 16 - www.state.gov, (2005) *The Military Expenditure*. [accessed 12/6/2005].
- 17- www.tau.ac, (2005), *Iljcss. almice Middle East*, pdf. [accessed 12/5/2005].
- 18- www.World_bank.org, (2005), *Human Development Index*. [accessed 20/5/2005].

